



۲۰۱۶/۰۶/۱۶

رسول پويان

عُقدہ و کين

گر عُقدہ بشر به حسادت دوا شود
 صد عُقدہ و تضاد دگر نیز وا شود
 در انتقام و کينه نيابی رهائيشی
 بغض کفیده آتش خشم و وغا شود
 از فرط کينه قوم برآرد دمار قوم
 اين قصه از يهود و عرب بارها شود
 رحم و حيا نبوده مگر در دل يزید
 آن گونه قتل و کينه که در کربلا شود
 از بهر حب قدرت و مال و منال نیز
 قتل پدر به دست پسر برملا شود
 با انتقام و کينه و جنگ برادران
 چشم برادر از عقب سر جدا شود
 با کينه و تعصب آل سعود باز
 بار ديگر مقاتله در نينوا شود
 جشن و سرور و زمزمه دلنواز ساز
 از فرط جهل و عقده و کين ناروا شود
 با کين طالبی و ز افراط داعشی
 رسم نشاط و خنده برافتد، عزا شود
 با کينه و تعصب و افکار طالبی
 فرخنده زنده زنده در آتش فنا شود
 گر آتش تجاوز و افراط سوخت شرق
 جسم لطيف غرب بدان مبتلا شود
 ما گر فقير و در بدر و زار گشته ايم
 روزی همين بلا به سر اغنيا شود
 ظلم و ستم ز حد اگر بگذرد يقين
 توفان در طبيعت و قهر خدا شود
 در شهر عشق زنده دلان با صفای دل
 بيگانه چون رفيق به هم آشنا شود

2015/12/28

د پانو شميره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ